

عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی؛ قبل و بعد از اسلام

محمد شفاعت*

محمد حسین پور**

چکیده

عرصه‌های تعاملات اجتماعی از موضوعات مهم در حوزه شهرسازی اند که به مثابه بستری مناسب برای پاسخ به نیاز اجتماعی انسان در برقراری روابط متقابل نقش ایفا می‌کنند. این عرصه‌ها در تاریخ شهرسازی ایران جایگاه مهمی داشته که با وقوع تحولات شهری از ۱۳۰۰ شمسی دچار اضمحلال گردیده اند و از همین منظر بازگرداندن موقعیت تأثیرگذار آن‌ها به حیات شهر ایرانی مهم است. بر این اساس مسئله تحقیق عبارتست از اینکه عرصه‌های تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی چه هدفی را جهت برقراری روابط اجتماعی دنبال می‌نموده اند؟

روش مورد استفاده تحقیق، توصیفی-تحلیلی و کیفی با کمک مطالعه اسناد ثانویه تاریخی بوده که در سه مرحله پیوسته، از تحلیل توصیفی-استنتاجی، تحلیل محتوا و شیوه سنتز استقرایی بهره برده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تنوعی از عرصه‌های فضایی در شهر ایرانی به نیاز اجتماعی انسان پاسخ می‌داده اند که از آن جمله می‌توان به آتشگاه، مسجد، مدرسه، میدان، و بازار در ادوار قبل و بعد از اسلام اشاره نمود. همچنین در شهر ایرانی وجوه اشتراکی از

* کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول)،

mohammad14.shafaat72@gmail.com

** استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، ایران، m_hosseinpour@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵



اصول متضمن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در هر دو دوره زمانی موجود بوده که ویژگی اصلی و مشترک در همه آن‌ها، وابسته بودن فضا و در نتیجه کالبد، به کارکرد اجتماعی خاص می‌باشد.

نهایتاً در پاسخ به مسئله تحقیق می‌توان گفت که در شهر ایرانی، عرصه‌های تعاملات اجتماعی به مثابه ابزاری هستند که متأثر از ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه به صورت‌های متنوع کالبدی تبلور فضایی می‌یافته و در واقع یک نقش کارکردی و هدفمند به خود می‌گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: خصلت مدنی‌الطبع انسان، عرصه تعاملات اجتماعی، شهر ایرانی، رابطه کالبد و معنا.

۱. مقدمه

به طور کلی حیات انسان به دو ساحت زندگی فردی (زندگی درون‌خانه) و زندگی جمعی (زندگی خارج از خانه) قابل تقسیم است. بر پایه یک نگاه مبتنی بر جهان بینی الهی آنچه که می‌تواند راهنمای انسان در این دو ساحت حیات باشد و به مثابه عامل سوق‌دهنده وی به سمت تعالی عمل نماید، دین است. در واقع دین به عنوان سنگ بنای مکاتب و نظریه‌ها می‌تواند در ساختار جوامع نفوذ کرده (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹) و از این طریق هم برای زندگی درون‌خانه فرد و هم برای زندگی اجتماعی وی، اصولی را تبیین نماید که در نهایت این اصول در زندگی فرد و جامعه بازتاب خویش را در عرصه عینی نشان دهند. یکی از ویژگی‌های فطری که با ادیان الهی نیز در هماهنگی قرار دارد و خالق متعال در وجود انسان به ودیعه گذارده، خصلت مدنی‌الطبع است که سبب می‌شود فرد برای رفع نیازهای معیشتی خود و همچنین پاسخ به احساس نیاز به معاشرت و ارتباط متقابل با دیگران، تمایل به ایجاد اجتماع داشته باشد. به تعبیری خاص تر، یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی جمعی و بنا به اقتضای خصلت مدنی‌الطبع وی، تعاملات اجتماعی می‌باشد.

پدیده تعاملات اجتماعی برای بروز عینی، نیازمند عرصه‌ای خاص است. خوشبختانه در تمدن ایران زمین می‌توان به نحوی شایسته و در ادوار مختلف قبل و بعد از اسلام، رخ‌نمود عینی عرصه تعاملات اجتماعی را در شهرها مشاهده کرد و مورد تحلیل قرار داد. اما از دهه ۱۳۰۰ شمسی به بعد با تحمیل فشارها از داخل و خارج برای همراهی با نظم نوین جهانی و تقلید از آن، روح و کالبد عرصه‌های تعاملات اجتماعی که قرن‌ها از اصالت ایرانی -

اسلامی نشأت می‌گرفت رو به زوال گذاشت. در این ارتباط شاید بتوان گفت که یکی از اصلی‌ترین علل زوال فضاها به تبعیت از تقلیدهای صورت پذیرفته، دور شدن از هدف‌هایی بود که جامعه شهری از این فضاها استفاده می‌کرده و به تعاملات اجتماعی دست می‌یازیده است. از همین منظر بررسی ماهیت وجودی چنین فضا‌هایی تا پیش از دوران اضمحلال آن‌ها در شهرهای ایرانی مهم به نظر می‌رسد.

۱.۱ تبیین مسئله و هدف تحقیق

باتوجه به توضیحات ارائه شده می‌توان مسئله تحقیق را به این صورت بیان نمود که اساساً هدف متقابل تعاملات اجتماعی و عرصه‌های شکل دهنده و تسهیل کننده آن‌ها در جامعه شهری ایرانی چیست و چرا پدیده تعاملات اجتماعی در گونه‌های خاصی از فضاها قابل رؤیت می‌باشد؟ در این خصوص لازم به تأکید است که تأثیر بستر اجتماعی - کالبدی شهرها در نقاط مختلف جهان بر حسب نوع نگرش‌ها و فرهنگ‌های هر جامعه شهری، پدیدآورنده گونه‌هایی از فضا‌های تعاملات اجتماعی خواهد بود که بالتبع انواع ویژه‌ای از روابط اجتماعی را تسهیل، تشویق و یا تولید می‌نمایند که با سایر نقاط شهری دنیا متفاوت می‌گردد. درواقع حضور عامل انسانی با مجموعه ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی منحصر بفرود هر کشور طبیعتاً نمی‌تواند به تولید روابط اجتماعی مشابه و یکسان در سراسر دنیا و در نتیجه عرصه‌های فضایی متشابه شکل دهنده به آن روابط ختم گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد جهت نیل به راه حل مسئله تحقیق در وهله نخست لازم باشد که ویژگی‌های اجتماعی جامعه شهری ایران مورد نظر قرار گیرد تا بتوان به کمک آن جایگاه عرصه‌های تبلور تعاملات اجتماعی را بررسی نمود. در این خصوص یکی از راه - حل‌ها می‌تواند بررسی ماهیت انواع روابط اجتماعی مردم و جامعه شهری ایرانی باشد. اما برحسب هدف این تحقیق که از نظرگاه دانش چندرشته‌ای شهرسازی به مسئله می‌نگرد و نه جامعه‌شناسی، می‌توان از مسیر دیگری جهت نیل به پاسخ سؤالات مطرح شده استفاده نمود: شناخت عرصه‌های فضایی متضمن تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی تا پیش از سده ۱۳ شمسی.

باتوجه به مسئله تبیین شده، آنچه که در این تحقیق به عنوان هدف اصلی در نظر گرفته می‌شود، شناخت و بررسی روابط ساختار اجتماعی، ساختار فضایی - کالبدی و عرصه فضایی تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی در ادوار مختلف تاریخی است تا بتوان از

این طریق، رابطه فضایی آن‌ها را برحسب ویژگی‌های عرصه‌های تعاملات اجتماعی شهر ایرانی مشخص نمود و با واکاوی و تحلیل آن‌ها، به اصول، قواعد و تبیین الگوهای فضایی برای درک هرچه بهتر عرصه‌های وقوع تعاملات اجتماعی دست یافت.

۲.۱ روش انجام تحقیق و بررسی پیشینه مطالعات علمی مرتبط با موضوع

روش تحقیق در این نوشتار استفاده از دیدگاهی جامع‌نگر مبتنی بر یک سیر تاریخی جهت بررسی رابطه بین یک مفهوم اجتماعی با یک مفهوم فضایی - کالبدی می‌باشد. در واقع تحقیق در قالب دو بخش اساسی پیش برده می‌شود؛ در مرحله نخست بر پایه مطالعات تاریخی و روش تحلیل محتوایی، عرصه‌های شکل دهنده به تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی و ویژگی‌های آن‌ها شناسایی و تبیین می‌شوند. در مرحله بعد از شناسایی ویژگی‌های هر یک از عرصه‌های شکل دهنده به تعاملات اجتماعی، روابط فضایی عرصه‌های تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش مورد استفاده در مرحله دوم، هم شامل استفاده از یافته‌های مرحله یک می‌باشد و هم این که بر اساس مطالعه نمونه‌های موردی از دو شهر مهم ایرانی در ادوار قبل و بعد از اسلام، پدیده تعاملات اجتماعی و عرصه‌های تعیین فضایی آن‌ها بوسیله روش استقرایی مورد کنکاش قرار می‌گیرد تا بتوان از این طریق روابط مفهومی عرصه‌های شناخته شده را در کلیت یک سازمان شهری تشخیص داد.

در خصوص بخش اول یعنی شناسایی عرصه‌های تبلور فضایی تعاملات اجتماعی در ارتباط با ویژگی‌های اجتماعی-کالبدی شهرهای ایرانی تحقیقات گوناگونی انجام شده است. برای مثال بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی مجموعه مؤلفه‌های مؤثر بر میزان تعاملات اجتماعی در فضای خیابان در مقطع زمانی حال پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقای این پدیده، طراحی کالبدی و کیفیت عملکرد فضا بوده است (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). در مقاله‌ای دیگر، امین‌آذر (۱۳۹۳) به بررسی جایگاه فضاهای اجتماعی - مدنی در سرزمین‌های شرق و غرب پرداخته است که در مورد ایران به دو فضای اصلی یعنی بازار و میدان اشاره می‌کند و سیر تاریخی را در این قسمت لحاظ نمی‌نماید. به طور کلی این پژوهش به دنبال بررسی فضای تبلور اموری است که نیاز به حضور دسته‌جمعی داشته و دارند. نهایتاً ایشان به این نتیجه رسیده که همواره انسان‌ها برای نیاز ذاتی خود به برقراری روابط اجتماعی، فضاهایی در

شهر ایجاد کرده‌اند و از جمله اهداف آن‌ها، درک و تجربه سایر مردم است و به زعم نگارنده، این مهم در خانه و معبد امکان پذیر نیست و نیاز به فضای عمومی دارد. به طور کلی تأکید این مقاله نیز بر اهمیت فضای عمومی شهری بوده است (امین آذر، ۱۳۹۳). در مقاله‌ای دیگر که توسط محمدی، عظیمی، مقدم و رفیعیان (۱۳۹۱) صورت پذیرفته، به ارزیابی میزان تحقق تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهر قدیم لار پرداخته شده است که شامل فضاهای شهری، اماکن مذهبی، ورزشی، پارک و ... می‌شود و با در نظر گرفتن تک‌متغیر اصلی "اجتماعی بودن" و چهار زیرمتغیر دیگر به آزمون این فضاها در قلمرو زمانی حال پرداخته است (محمدی، عظیمی، مقدم و رفیعیان، ۱۳۹۳).

به طور کلی می‌توان گفت که اغلب تحقیقات بررسی شده در حوزه مرتبط با موضوع پژوهش حاضر دارای چند ویژگی تقریباً مشترک می‌باشند: ۱- تمرکز بر یک عرصه فضایی به طور خاص؛ که عمدتاً شامل فضای شهری (Urban Space) است، ۲- بررسی در مقاطع زمانی حال و یا ادوار بعد از اسلام، ۳- تبیین برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های عرصه فضایی تعاملات اجتماعی، ۴- بررسی در مقیاس خرد فضا و کوچک مقیاس و نه کل شهر. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که در غالب ادبیات موجود، پدیده تعاملات اجتماعی به عنوان اصلی مفروض در نظر گرفته شده است که قرار است عرصه‌های فضایی - کالبدی شهری اعم از فضاهای شهری با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود سبب ارتقای این پدیده اجتماعی بشوند.

بنابراین به نظر می‌رسد نمونه‌ای پژوهشی که به صورت جامع‌نگر هم از بُعد تاریخی و هم از بُعد مقیاس، کل شهر را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. از همین روی وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به ادبیات موجود عبارتست از بررسی تمام فضاهایی در شهر ایرانی که مفهوم تعاملات اجتماعی به اشکال و گونه‌های مختلف در آن‌ها قابل رؤیت بوده و از همچنین امکان یافتن اصول متضمن پدیدار شدن تعاملات اجتماعی در آن‌ها وجود دارد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی (Methodology) مقاله حاضر شامل تمامی مراحل است که با کمک شیوه‌های روشمند به مثابه ابزار علمی معتبر، سعی در نیل به هدف تحقیق جهت حل مسئله آن را خواهند داشت. در این مقاله بنا بر یک منطق استقرایی با شروع از شناخت عرصه‌های

فضایی تبلور تعاملات اجتماعی به کمک مطالعات کتابخانه‌ای منابع ثانویه تاریخی و استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه تحلیل محتوا و تحلیل کیفی، سعی خواهد گردید که به اصولی که این عرصه‌ها، پدیدار تعاملات اجتماعی را تضمین می‌نمایند دست یافت. بنابراین در گام نخست با کمک روش توصیفی-استنتاجی به شناسایی برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه و شهر ایرانی در ادوار قبل و بعد از اسلام پرداخته می‌شود تا از این رهگذر بستر اجتماعی-کالبدی شهر ایرانی که قرار است روابطی از نوع تعاملات اجتماعی در آن بروز نماید شناخته شود. برای این منظور روابط بین دو حوزه تعاملات اجتماعی و کالبد شهر ایرانی در یک دوره زمانی پیوسته شامل تاریخ شهرسازی گذشته ایران در ادوار قبل و بعد از اسلام بر اساس اصول و معیارهای فرهنگ ایرانی-اسلامی مورد کنکاش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد.

در گام دوم بر اساس ویژگی‌های مستخرج از ساختار اجتماعی-فضایی شهر ایرانی، انواع فضاها و شهر که به نوعی عرصه تبلور عینی پدیده تعاملات اجتماعی هستند، در ادوار مختلف و با استفاده از روش تحلیل محتوایی-توصیفی مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. این بررسی نشان خواهد داد که اساساً تعاملات اجتماعی در چه نوعی از عرصه‌های فضایی شهر ایرانی قابلیت بروز و ظهور کالبدی داشته‌اند.

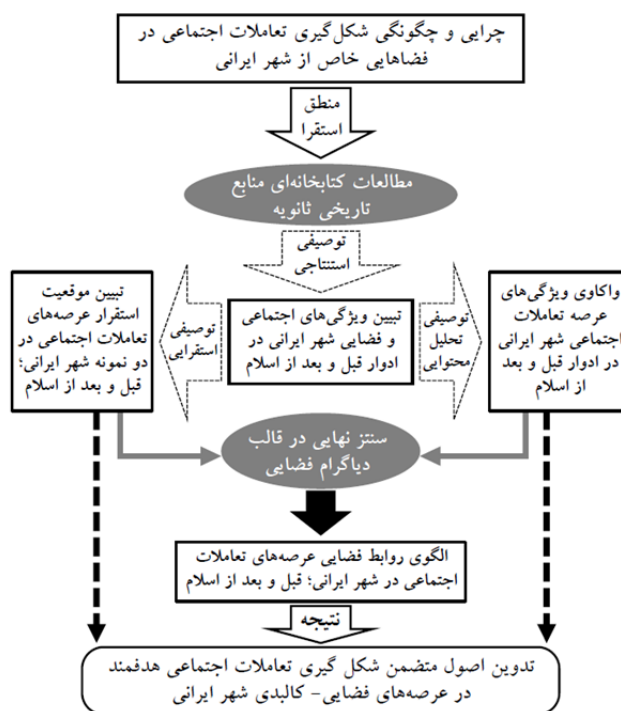
نهایتاً در گام سوم به کمک نمونه‌هایی از شهر ایرانی در ادوار قبل و بعد از اسلام با استفاده از روش توصیفی-استقرایی، به شناسایی موقعیت کالبدی-فیزیکی عرصه‌های شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در شهر پرداخته خواهد شد؛ با این هدف که عرصه‌های مذکور اساساً در مقیاس یک شهر تاریخی ایرانی در ارتباط با جامعه شهری چه نقشی داشته‌اند و آیا روابطی با یکدیگر برقرار می‌نموده‌اند یا خیر؟ ضرورت تبیین این روابط در مقیاس شهر با تأکید بر عرصه تعاملات اجتماعی این است که طبق یک دیدگاه سیستمی در نظام پیچیده شهری، کارکرد هر جزء سیستم در ارتباط با سایر اجزاء درک خواهد شد تا نهایتاً نیل به یک هدف متعالی برای نظام کلان سیستم فراهم شود.

با سستز و تحلیل کیفی مراحل پیشین، نتایج قابل استنتاج از مطالعات صورت پذیرفته به تولید مدل مفهومی الگوی سازمان فضایی روابط عرصه‌های تعاملات اجتماعی شهر ایرانی در ادوار قبل و بعد از اسلام منجر خواهد شد.

نهایتاً در راستای پاسخ به مسئله اصلی تحقیق، آنچه که از مجموع مراحل توصیفی تا تحلیل محتوا و استقرا حاصل می‌گردد، عبارتست از بازشناسایی اصول نهفته در روابط بین

عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی... ۱۰۷

دو حوزه تعاملات اجتماعی و کالبد شهر ایرانی در عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی. در واقع با این خروجی می‌توان به پاسخی درخور برای تحقیق حاضر دست یافت و با یک نگاه جامع نگر، مؤلفه‌های اجتماعی - فضایی عرصه‌های مذکور را به مثابه اصولی معین استخراج نمود که بر اساس ادوار حیات اجتماعی قبل و بعد از اسلام برای شهرهای امروزی نیز قابل بسط دادن باشند.



تصویر ۱- دیاگرام روش‌شناسی تحقیق

۳. مفاهیم پایه و مبانی نظری

شکل‌گیری حیات اجتماعی و تعاملات اجتماعی در شهرهای ایران، به یک بستر و زمینه نیاز دارد. یکی از ابعاد مهم عرصه فضایی رخداد این پدیده اجتماعی بُعد کالبدی می‌باشد. در واقع رابطه متقابلی که کالبد و معنا با هم ایجاد کرده و سبب بروز پدیده تعاملات اجتماعی برای شهروند ایرانی می‌شوند، در قالب عرصه‌ای در شهر به منصف ظهور می‌رسد

که از آن با نام «عرصه تعاملات اجتماعی» یاد می‌شود. این پدیده خود به دلیل فراعامل بنیادینی با نام خصلت اجتماعی انسان است.

۱.۳ خصلت مدنی‌بالتبع انسان و مفهوم تعاملات اجتماعی

اعتقاد حکما از زمان‌های بسیار قدیم این بوده است که انسان مدنی‌بالتبع است. به این معنا که انسان طبیعتاً اجتماعی است (مطهری: ص ۲۴۶). نکته مهم و قابل توجه این است که انسان زندگی اجتماعی را برای خود به حکم عقل و اراده انتخاب کرده است (مطهری: ص ۲۴۷). با نگاهی به تاریخ سکونت بشر نیز می‌توان دریافت که انسان از همان ابتدا در پی تشکیل اجتماع بوده است تا از این طریق بتواند در قالب روابط گوناگون اجتماعی و از جمله تعاملات اجتماعی به این نیاز فطری خویش پاسخ دهد. به عنوان یک تعریف از تعاملات اجتماعی می‌توان آن را ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر که منجر به واکنشی میان آن‌ها شده و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده باشد، توضیح داد. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نخواهند گرفت (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). در تعاملات اجتماعی مقصود و هدف اصلی، برطرف نمودن مجموعه‌ای از نیازهای فطری انسان است که البته بخش مهمی از آن‌ها نیز مربوط به نیازهای مادی و معیشتی وی می‌باشد.

۲.۳ تعاملات اجتماعی در شهر (ایرانی)

انسان ایرانی دارای خصائص و ویژگی‌هایی است که در انطباق با شرایط مکانی و زمانی ادوار مختلف، نوعی از کنش متقابل اجتماعی را برای خود برمی‌گزیده یا برای وی حادث می‌شده است. به طور کلی در ایران، دو قسم عمده زندگی دسته‌جمعی که سبب رخ دادن نوعی از روابط انسان‌ها می‌شده، قابل شناسایی است که عبارتند از ثابت و متحرک (عشایری). تحقیقات پیاژه، روانشناس فرانسوی نشان می‌دهد که قدرت خلاقیت و ذکاوت بشر در محیط امن و ساکن بیشتر بروز می‌یابد و بالعکس تحرک و عدم استقرار مکانی، بشر را به نوعی خودپسندی و توقف فکر خلاق دچار می‌نماید (غنی زاده، ۱۳۸۵). از سوی دیگر با مراجعه به گفته‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی، که در بخشی از رساله فی حقیقه - العشق خویش می‌نویسد: «بدن انسان بر مثال شهری است اعضای او کوی‌های او و

رگ‌های او جوی‌هاست که در کوچه رانده اند و حواس او پیشه وران اند که هریک به کاری مشغول» (رضایی راد، ۱۳۸۷)، می‌توان به اهمیت شهر از نظر شیخ اشراق پی برد. به نظر می‌رسد از جمیع نظرات این دو اندیشمند غربی و شرقی، نکته مهم قابل استفاده این باشد که صورت کامل تظاهرات اجتماعی در شهر که خود آئینه تمام‌نمای تمدن بشری است بروز می‌نماید. شهر به عنوان موجودی پویا و متحول در بستر زمان و بر پهنه مکان، تشکیل شده از اجزای فیزیکی و انسانی و روابط پیچیده میان آن‌ها است که در واقع تبلور یافته از نقش انسان و اندیشه والای وی می‌باشد (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۹۰: سی و یک پیشگفتار). در واقع شهر در جامعه متمدن، ظرفی است که باید نسبتی با مظهر خود که روح اجتماع انسانی است داشته باشد (منصوری، ۱۳۸۶).

۳.۳ ساخت فضایی-کالبدی شهر ایرانی

در ایران از دیرباز، شهر خاستگاهی ماورایی و معنوی داشته است؛ شاهدی بر این مدعا توجه به عامل جهان بینی در شکل شهرها می‌باشد. شهرها به صورت مربع، مستطیل و دایره، تصویری از جهان سامانمند و نظم یافته را به ذهن متبادر می‌نمودند (رضایی راد، ۱۳۸۷). سازمان فضایی شهر ایرانی پیش از اسلام، بیان فضائی ذهنیت حاکم بر جامعه است که از آیین آنها برآمده است و تأکید این سازمان بر تمایز عرصه‌های طبقات اجتماعی و شفافیت بخشیدن به جدایی معنایی آن‌ها است (منصوری، ۱۳۸۶). در این شهر، اساس استقرار در فضا، طبقات شبه کاستی و زیرمجموعه‌های آن بود و اصولاً طبقات پایین درون شار جایی نداشتند مگر به عنوان خدمه بزرگان (فکوهی، ۱۳۸۷). اما به دلیل وجود همان جهان بینی متصل به ماورا در شکل‌گیری شهرها که نتیجه نگاهی آرمانی به محل سکونت جمعی است می‌توان گفت که فقدان هرگونه نهادهای مدنی در آرمانشهرهای ایرانی از آن روست که برای منظور دیگری، که ربطشان با رستاخیز عالم مزدایی است، بنیان نهاده شده‌اند؛ پس ایده طبقات اجتماعی نه تنها نظریه‌ای آرمان خواهانه برای حفظ مدنیت به شمار می‌رفت، بلکه بعضاً بر کالبد و بافت شهر نیز اثر می‌نهاد (رضایی راد، ۱۳۸۷). بنابراین وقتی در فرم شهر از قوانین ماورایی استفاده می‌شده، مطمئناً برای شکل‌گیری عرصه‌های شهری و روابط بین آن‌ها نیز تفکر وجود داشته است.

با ورود اسلام به ایران، حرکت شهرها به سمت ربض و حومه شهر و توسعه در آن جهت صورت پذیرفت و نتیجه این بود که حومه‌ها از نظر شهری تکامل یافتند و فضاها و

نهادهای شهری را دارا شدند و اهمیت بیشتری نسبت به شارستان (شهر میانی) پیدا نمودند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۹۰: ۲۴۵). در اینجا یک نکته بسیار مهم وجود دارد و آن این است که شهرهای ایران از نخستین سده‌های ورود اسلام، هنوز فرصت تبدیل آیین به فضا و شکل را نیافته‌اند؛ بنابراین مهمترین رویکرد، پرهیز از سازمان دو قطبی باستانی و همینطور بنیاد شهری عدالت محور و برابر اندیش بود (منصوری، ۱۳۸۶)، اما با گذشت زمانی کوتاه، شهر ایرانی در دوره اسلامی با کاربری اصول اسلامی و ایرانی، در کالبد به نظم قابل تشخیصی دست یافت. در این مورد این اعتقاد وجود دارد که شهر اسلامی غالباً از بخش‌های مرکزی، بازار، مسکونی و ... تشکیل شده بود که با برخورداری از نظم و استقلال نسبی ایشان نمایانگر مجموعه خصوصیات فرهنگ اسلامی بوده‌اند (مجتهدی: ۱۳۷۰).

ساخت فضایی - کالبدی شهر ایرانی معلول عوامل گوناگونی بوده که یکی از آنها تعاملات اجتماعی شهروندان در فضاها و عرصه‌های خارج از خانه است که البته خود نیازمند شرایطی خاص از جمله زمینه کالبدی مشخص برای بروز است. با توجه به دو رکن اساسی شهر ایرانی یعنی کالبد فضایی شهر به مثابه ظرف و جامعه مستقر در آن به مثابه مظهر، می‌توان گفت که در مورد پدیده تعاملات اجتماعی نیز این رابطه منطقی باید برقرار باشد؛ به این صورت که تعاملات اجتماعی در جامعه شهری نیازمند ظرفی است که بخشی از فضاها را شهر ایرانی، پذیرای این روابط (بخشی از مظهر) هستند.

۴.۳ بررسی ساختار اجتماعی و ساختار فضایی - کالبدی شهر ایرانی در ادوار قبل و بعد از اسلام

اولین آثار ثبت شده از استقرار انسان در ایران مربوط به دوره نئولیتیک و برنز است (مجتهدی، ۱۳۷۰). این انسان‌ها احتمالاً بومی ایران و مربوط به ادوار قبل از آریائی‌ها بوده‌اند (پازوکی، ۱۳۸۷). با ورود آریائی‌ها به فلات ایران، ستیزی که بین اقوام آریائی مستقر در فلات ایران با دولت - شهرها و حکومت‌های واقع در بین‌النهرین رخ داد، در عین انهدام این حکومت‌ها، سبب شکوفائی تمدن جدیدی بنام تمدن ایرانی گردید (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲). جدول ذیل مجموعه‌ای است از ویژگی‌هایی که بر حسب هدف عمده تحقیق، یعنی بازشناسایی عرصه تعاملات اجتماعی شهر ایرانی، در ادوار قبل از اسلام از منابع گوناگون استخراج شده است.

جدول ۱. بررسی ویژگی‌های اجتماعی و فضایی-کالبدی شهر ایرانی در ادوار قبل از اسلام-

دوره‌ها	ویژگی	ساختار اجتماعی	ساختار فضایی-کالبدی
آریایی‌ها (مهاجرت به فلات ایران از قرن ۱۴ قبل از میلاد)	آئین خدایان متعدد- سلسله مراتب واحدهای اجتماعی شامل خانواده، تیره و...- دو قشری بودن جامعه (ضعیف و غنی) و احتمالاً برده- داری اقوام آریایی از بومیان سرزمین ایران- عدم وجود تمایزات روشن اجتماعی شهر و روستا	سلسله مراتب سکونتگاهی- تطور سکونتگاه قلعه‌ای به شهر- آتشکده در وسط شهرقلعه و در کنار آن آب انبار و بازار، سپس تشکیل محلات سه گانه شهر برای سه طبقه اجتماعی مردم	
مادها قرون ۹ تا ۷ قبل از میلاد	استقرار حکومت بر مبنای سازمان دولت و نه سازمان عشیره‌ای- تکامل نظام اجتماعی قبایل و کشاورزان و دامداران- آئین میترائیزم، آلودن مذهب با سحر و افراط مذهبیون در برخورد با زرتشت- ساختار طبقاتی جامعه- پررنگ شدن تمایز جامعه شهری و روستایی	شهر معبد و شهر قدرت که مردم به آن راه ندارند- گذر از جامعه ساده روستائی ایلی به شهری- وجود فضای متمایز بازار مشتمل بر حضور سازمان یافته پیشه‌وران- بازار به عنوان تنها فضای حضور اجتماعی مردم	
هخامنشیان قرون ۷ تا ۴ قبل از میلاد	آئین زرتشت- ساختار طبقاتی جامعه- تساهل در دین- تمایز قوی بین دو جامعه شهری و روستائی- قوام جامعه شهری در مقابل روستا و ایل	سلسله مراتب سکونتتی شامل خانه، ده و... تحول شیوه‌های شهرسازی- معماری بی نظیر- شهر(شار) محل اسکان قشر ممتاز- سازمان فضایی شامل سه بخش کهنذر، شار میانی و شار بیرونی- ساخت شهر متأثر از جهان‌بینی- شار بیرونی شبیه روستای نسبتاً وسیع- وجود معبد- نیایش مقابل آتش در فضای باز- تولد بازار در شهر- بازار به عنوان فضایی عمومی و مهم و شلوغ و تنها فضای اجتماعی حضور مردم- آموزشگاه احتمالاً در شار میانی و شکل‌گیری فرهنگستان تدریجاً در اطراف آن- وجود نوعی از حمام	
سلوکیان قرن ۳ قبل از میلاد	رسوخ فرهنگ هلنی- آشفتنگی روابط اجتماعی و فرهنگی- امتزاج نگرش مادی و فرامادی دولت- ساختار طبقاتی جامعه- حضور ایرانیان در تعاملات اجتماعی برای نخستین بار- حیات اجتماعی در سرزمین ایران	تشکیل شهر دولت پارسی هلنی- شهر مکان اسکان قشر ممتاز- گسترش معماری و شهرسازی- ایجاد شهر برای مهاجران بیگانه- طراحی شهر بر اساس اصول هیپودامی و مقیاس انسانی- شکل‌گیری مفهوم میدان در شهر به مثابه آگورای یونانی- قرار گرفتن عناصر اصلی اطراف میدان از جمله بازار- میدان بر خلاف مشابه یونانی خود، بیشتر مکانی برای خودنمایی دولت سلوکی	

دوره‌ها	ویژگی	ساختار اجتماعی	ساختار فضایی-کالبدی
اشکانیان قرن ۳ قبل از میلاد تا قرن ۳ میلادی	ساختار اجتماعی و ملوک‌الطوایفی دولت-رویدن مفاهیم یونانی از جامعه-تساهل در دین همانند هخامنشیان- ساختار طبقاتی جامعه	شهر مکان اسکان قشر ممتاز و کمی عام‌تر- تجلی هنر معماری- شتاب شهرنشینی- طرح شهر دایره‌ای اقتباس شده از اصول شهرسازی قدیم آسیای غربی- ساختار فضایی سلسله مراتبی شهر؛ ارگ و کاخ و مرکز اداری در وسط- محلات مسکونی و بازار و میدان بازمانده از دوره قبل در شار میانی- محلات مسکونی و بازار در حومه کشاورزی- حمام‌های اختصاصی- معابد مهرپرستی به عنوان هسته تکوین زورخانه	بنیان اصلی دولت، در شهر- شهر محل استقرار طبقات برتر اجتماعی- ساختار فضایی کاملاً متأثر از نظام کاستی- ساخت شار با تکیه بر جهان‌بینی- کاربرد هنر معماری و شهرسازی- ساخت سه گانه شهر شامل دژ حکومتی با آتشگاه اصلی، شار میانی برای محلات طبقه ممتاز و شار بیرونی شامل محلات و بازار اصلی و آتشکده- سکونت مردم در اطراف پایتخت؛ گاهی به صورت پراکنده در خیمه‌ها یا بناهای محقر گلی- رونق بازار در شهر- کالبد یافتن بازار در معنای کنونی- میدان در فضای باز مقابل دروازه ریض به شارستان و متفاوت با آگورا و فوروم، و بدون شکل خاص فضایی- آموزش در مراکز آموزش عالی برای خواص و در آتشگاه‌ها برای عوام
ساسانیان قرون ۳ تا ۷ میلادی	شهر قدرت- حکومت مبتنی بر دین ملی (زرتشت) - پیدایش نظام کاستی- تعصبات شدید مذهبی- اسکان اجباری گروه‌های متخصص در شهرهای جدیدالتأسیس- از بین رفتن نقش حضور مردم در تعاملات اجتماعی شهر- رابطه استثمارگرایانه شهر و روستا- تولد اصناف		

مأخذ: بذرگر و امینی، ۱۳۸۹- بهار، ۱۳۶۰- بیک محمدی، ۱۳۸۲- پور رضا، ۱۳۸۵- حبیبی، ۱۳۸۷- رضایی راد، ۱۳۸۵- شعبانی، ۱۳۸۸- فکوهی، ۱۳۸۷- مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۹۰- منصور، ۱۳۸۶- مهجور، ۱۳۸۲- میرزا کوچک خوش‌نویس، ۱۳۸۵- nbpsafa2.blogspot.com

گردآوری: نگارندگان

در مورد شهرهای پیش از اسلام باید گفت که این شهرها محلی برای سکونت اقلیت خاص بوده و نمی‌توان انتظار داشت که تظاهرات اجتماعی به صورت همه شمول در آنها رخ بدهد. این در حالیست که اطلاعات بسیار کمی از زندگی جمعی که در اطراف شار باستانی رخ می‌نمود، موجود می‌باشد و آنچه که موجود است، شباهت به یک زندگی شبه-روستایی دارد. بنابراین در این بررسی به شار باستانی پرداخته شد. علیرغم اینکه در دوران

باستان، از دوران عیلامیان تا هخامنشیان، نهادهای مدنی خارج از شهرهای حکومتی شکل یافتند، اما با ظهور سلوکیان و ایجاد دولت‌شهرها، دیگر هیچگاه آن تمایز تام رخ نمود و از آن پس نهادهای حکومتی در کنار نهادهای مدنی، توأمان به حیات خویش ادامه دادند (رضایی راد، ۱۳۸۵).

با شروع نهضت بزرگ اعراب در ربع دوم قرن هفتم میلادی، مسلمانان توانستند شاهنشاهی ساسانی در ایران را ساقط کنند. برخی از دلایل این امر را می‌توان انحطاط اعتقادی ایرانیان در اواخر دوره ساسانی به دلایلی نظیر تعصبات شدید مذهبی حکومت، نظام کاستی، آشنائی ایرانیان با مذاهب دیگر و از جمله دلبستگی آن‌ها به دین اسلام بیان کرد (پوررضا، ۱۳۸۵). با ورود اسلام، شهرهای ایرانی با پذیرش ویژگی‌های اسلامی، به طور خلق‌الساعه دگرگون نشدند؛ بلکه با پیروی نمودن از اصول برنامه ریزی شهری ساسانی و همچنین تأثیر و الهام از مذهب جدید یعنی اسلام، شکل تازه‌ای یافتند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۹۰: ص ۲۲۸). در واقع شهرنشینی دوره اسلامی از یک سو ادامه یافتن، و از سوی دیگر از دگرگونی زندگی شهری ساسانی پدید آمد (اشرف، ۱۳۵۳). در شهر اسلامی، رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان همواره متأثر از آموزه‌های دینی آنهاست و نهایتاً باعث می‌شود که این رفتارها در مناسبات اجتماعی ساکنان شهر تظاهر یابد (پور احمد و موسوی، ۱۳۸۹) که البته در دوره‌های مختلف پس از اسلام، میزان تأثیرات متفاوت است. در ادامه و در قالب یک جدول، ویژگی‌های ساختار فضایی - کالبدی ادوار مختلف بعد از اسلام در شهرهای ایران، با ثابت در نظر گرفتن کلیت ماهیت و ساختار اجتماعی شهر بررسی می‌گردد.

جدول ۲. بررسی ویژگی‌های اجتماعی و فضایی شهر ایرانی در ادوار بعد از اسلام

ویژگی دوره‌ها	شکل‌گیری دوره	ساختار فضایی - کالبدی
سامانیان	اولین دولت ایرانی بعد از اسلام در قرن ۹ میلادی (۲ هجری قمری) - بازساخت دول خودمختار محلی - ظهور سبک خراسان در شهرسازی - گسترش سازمان‌های صنفی	انتقال جمعیت به حومه شهر یا ریض - نظم کالبدی و طبیعی و ذهنی و عقیدتی شهر - کالبد یافتن میدان مرکزی شهر از تلاقی دو راسته اصلی در جهات اربعه - شکل - گیری دیوان و مسجد جامع و دهانه اصلی بازار در اطراف میدان - تنیده شدن تار و پود محلات با حرکت بازار به سوی دروازه‌ها

ساختار فضایی - کالبدی	شکل‌گیری دوره	ویژگی دوره‌ها
مدرسه به عنوان یکی از عناصر پایه شهر- تداوم ساختار فضایی شهر از دوره سامانیان	قرن ۴ هجری قمری- ابداع مجدد مراسم کهن ایرانی در چارچوب نظریه‌ای مذهب شیعه- شهر مکانی متعلق به تمامی اقشار و طبقات اجتماعی- قرن ۴ هجری قمری به عنوان مرجع شهرسازی و تفکر شهری در ایران	آل بویه (بویان)
تشکیل مدارس نظامیه برای آموزش رسمی- شار در این دوره تجدید تولید سازمان فضایی شار ساسانی- میدان اصلی و بزرگ اغلب در میانه شهر- عناصر معمول به دور میدان و گاه اضافه شدن بیمارستان به آن‌ها- شکل‌گیری محلات بنا بر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی- گشوده شدن در اصلی مساجد و مدارس بر روی بازار و گذرهای اصلی	قرن ۵ و ۶ هجری قمری- مذهب رسمی شافعی- محدودیت اظهار نظر ملت در مقابل دولت- محدود ماندن روابط اجتماعی در حد محلات به دلیل حاکمیت نظام متمرکز دولتی	سلجوقیان
اضمحلال سازمان شهری، سازمان فضایی و سازمان کالبدی در حدود سه قرن- وجود معدود شاهکارهای شهرسازی و معماری در پهنه محدودی از سرزمین	قرون ۷ تا ۱۱ هجری قمری- تقابل تفکر عشیره‌ای و هزیمت شهرگرایی در حدود یک قرن- استتعاله مغول در تمدن ایرانی و اسلامی- شروع مجدد رونق شهرنشینی و شهرگرایی به وسیله حکام بعدی	ایلخانان و گورکانیان
نگاه به آرمانشهر در قالب مکتب شهرسازی و معماری اصفهان- مطرح شدن فضای انسانی به جای مقیاس- مطرح شدن اصول بی بدیل در طراحی فضاهای شهر- ساخت بناها و مجموعه‌های مردم‌وار- پیدایش مفهوم خیابان و نزدیک شدن به مفهوم باغشهر در شهر ایرانی- کشیدن خیابان به میدان اصلی شهر و یا به موازات آن- وجود یک میدان به عنوان مرکز ثقل در هر مجموعه زیستی	قرون ۱۱ تا ۱۳ هجری قمری- تشکیل هویت ملی در چارچوب عقیدتی و مذهبی- اولین دولت ملی در ایران- جهان‌بینی متکی بر مفاهیم عرفانی- رونق شهرگرایی	صفویه
ایجاد ابنیه و آثار عام‌المنفعه بنا بر روش دوره صفوی- آمیختن اسلوب‌های جدید هنری با روش‌های کهن- تولد سبک تهران به عنوان تداوم مکتب اصفهان- تشکیل فضاهای شهری جدید با هویتی بومی، دارای ارزش و چهره‌ای سرزمینی از قبیل دارالفنون، تکیه دولت- بازار به عنوان ستون فقرات شهر و مکانی برای تظاهرات تمامی شکل‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی، در کنار نقش تجاری و اقتصادی آن- میدان با تصویری نه چندان ظریف از نمونه صفوی خود و با عملکردهایی چون تشریفاتی، اجتماعی و فرهنگی ... - مفهومی نو برای خیابان- شکل-	سالهای ۱۱۶۵ تا ۱۲۹۶ هجری شمسی- اضمحلال بازارهای کوچک و محلی با ادغام اقتصاد ایران در بازار جهانی	قاجاریه

ساختار فضایی - کالبدی	شکل‌گیری دوره	ویژگی دوره‌ها
گیری محلات جدید در جوار خیابان برای رفع مایحتاج خود		

- مأخذ: حبیبی، ۱۳۸۷ - شهیدزاده دهقانی، ۱۳۹۰ - urbanity.ir: گردآوری: نگارندگان

۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت باتوجه به روش‌شناسی توضیح داده شده برای تحقیق و همچنین بر اساس اطلاعات مستخرج از ویژگی‌های ساختار اجتماعی و ساختار فضایی-کالبدی شهرهای هر دوره، یک دید کلی از روابط پیدا (به مثابه فرم و چیدمان فضایی) و پنهان (به مثابه روح روابط موجود) در شهرهای ایرانی، می‌توان بر پایه تحلیل محتوای توصیفی اقدام به واکاوی عرصه‌هایی از شهر نمود که بستر تبلور فضایی زندگی جمعی به مثابه عرصه‌های تعاملات اجتماعی بوده‌اند.

۱.۴ واکاوی عرصه‌های تعاملات اجتماعی شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام

آنچه که در ادامه می‌آید، تحلیل مطالعات صورت گرفته از مراحل قبل، جهت بازشناسایی ویژگی‌های عرصه‌های تعاملات اجتماعی ایرانیان در شهرهای ادوار قبل و بعد از اسلام می‌باشد.

جدول ۳. بررسی ویژگی‌های عرصه تعاملات اجتماعی شهر

ایرانی؛ قبل از اسلام

روابط اجتماعی	تبلور کالبدی در ساختار فضایی	قشر استفاده کننده	کارکرد	ویژگی عرصه
عدم رویارویی تمام اقشار جامعه و فاقد ویژگی اجتماع‌پذیری- ستایش آتش به همراه مراسم آئینی قشر ممتاز جامعه- محل آموزشگاه	قرارگیری در مرکزی مقدس- تشکیل سایر ابنیه و تأسیسات عمومی در اطراف آن	موبدان و بزرگان	مذهبی- آئینی	آتشکده
ملاقات قشر عامه به دلیل	قرارگیری در مرکزی مقدس-	قشر عامه جامعه	مذهبی-	آتشگاه

ویژگی عرضه	کارکرد	قشر استفاده کننده	تبلور کالبدی در ساختار فضایی	روابط اجتماعی
	آئینی و تأمین آتش خانگی		تشکیل سایر ابنیه و تأسیسات عمومی در اطراف آن	مراسم آئینی و امور روزمره - عدم حضور اقشار ممتاز جامعه طبقاتی
بازار	خرید و فروش و تجارت	حسب موقعیت قرارگیری در شهر یا حومه، برای مردم ممتاز یا عادی	اولین فضا و بخش مستقل شهری - بازار اصلی در حومه و پیشروی در شارستان - مجاورت با معبد شهر پارسی و آگورای شهر پارسی هلنی	مکانی شلوغ - دیدار اقشار عموماً هم سطح به بهانه فعالیت تجاری - حضور حرفه‌مندان و اصناف گونگون
میدان	خرید و فروش و تجارت - خودنمایی و نمایش اقتدار حکومت	حسب موقعیت قرارگیری در شهر یا حومه، برای مردم ممتاز یا عادی	فضایی بی‌شکل در نقطه ارتباطی ریض و شارستان یا فضایی مشابه با آگورا در شهر پارسی هلنی - اشراف مذهبی یا حکومتی	تظاهرات اجتماعی و اقتصادی ناشی از رویاری و هدفمند اقشار مختلف مردم
آموزشگاه*	آموزش مذهبی	قشر عامه جامعه	آموزش درون معابد - شکل - گیری فرهنگستان در اطراف آن	امکان تماس و تعامل اقشار عادی جامعه و نه قشر ممتاز

- منبع: نگارندگان بر اساس منابع فهرست شده در کتاب‌نامه

* در این جدول، عرضه‌های نام برده شده، مواردی هستند که احتمال وقوع تعاملات اجتماعی در آن‌ها وجود دارد؛ برای مثال انواع دیگر آموزشگاه وجود دارند که عملاً فاقد چنان نقش اجتماعی‌ای بوده‌اند.

جدول ۴. بررسی ویژگی‌های عرضه تعاملات اجتماعی شهر ایرانی؛ بعد از اسلام - منبع: نگارندگان بر اساس منابع فهرست شده در کتاب‌نامه

ویژگی عرضه	کارکرد	قشر استفاده کننده	تبلور کالبدی در ساختار فضایی	روابط اجتماعی
مسجد	مذهبی - آئینی	تمام اقشار جامعه	واقع در نقطه ثقل شهر (جامع) و مرکز ثقل محلات (مسجد محله) - ساخته شده بر بستر معبد قدیمی و یا مکانی جدید - ارتباط فضایی متقابل با سایر بافت‌های شهری و محلی (حکومتی، تجاری، اجتماعی و مسکونی)	برگزاری نماز جمعه در جامع - مراسم آئینی دسته جمعی - مکان اصلی اجتماعات مردمی - شکل - گیری افکار عمومی - محل رتق و فتق امور - تعامل و تعاون مردم جامعه در مراسم و برگزاری آئین - ها - محل استراحت در نقطه اتصال به بازار

روابط اجتماعی	تبلور کالبدی در ساختار فضایی	قشر استفاده کننده	کارکرد	ویژگی عرصه
زندگی تجمعی مشاغل حساس در مساکن نزدیک به بازار- گردشگاه و فضای تفریحی- روحیه فتوت و اخوت صنوف بازار- کانال جریان حیات اجتماعی- اعلان اخبار عمومی- برگزاری جشن و ختم و مراسم مذهبی و وعظ- سنگر اجتماعی مردم- برگزاری میهمانی- پایگاهی برای مشارکت در امور شهر و محلات	ستون فقرات ارتباطات شهری- مکان‌های دائمی با فضاها ساخته شده- احداث بر روی میادین خرید و فروش باستانی- ترکیب و هم‌نوایی با سایر عرصه‌های شهر و محلات- گشودگی اصلی بازار بر روی میدان و شارع عام و اماکن متبرکه (شهر و محلات)- شبکه بدون بن‌بست	تمام اقشار جامعه	خرید و فروش و تجارت	بازار
برگزاری جشن، مسابقه و داستان سرایی برای تمام مردم (به صورت دسته جمعی) و فرصتی برای مراودات روزانه	فضایی کالبد یافته و مشخص- مجاورت و رابطه با عناصر اجتماعی، اداری و مذهبی- بازار کوچک	تمام اقشار جامعه	اجتماع، خرید و فروش و تجارت- نمایش اقتدار حکومت	میدان
افزایش جنبه مذهبی نسبت به اقتصادی و نظامی- برگزاری مراسم مذهبی- شکل‌گیری مناسبات اجتماعی- عدم هرگونه محدودیت برای ورود اقشار گوناگون- زمینه‌ساز گفتگوی اقوام و ملل	ریشه از قبل از اسلام- واقع در ورودی شهر یا متصل به بازار- وجود آب انبار، قهوه خانه و بستنی فروشی- همجواری با عناصر خدماتی چون حمام، نانوا، دکان و...- شهر میناتوروی اسلامی	مسافران- شهروندان- روستائیان	اسکان موقت	کاروانسرا*
تکوین مدارس به دلیل کارکرد اجتماعی آن و رقابت مذهبی و سیاسی- موقعیتی هماهنگ با شریان‌های سیاسی و اجتماعی- محیطی مطبوع برای استراحت عابران بازار	فضایی تقریباً همیشه وابسته و متأثر از مسجد- همجواری با میدان، مسجد جامع و بازار- قرار گرفتن در خانه بزرگان در برخی مواقع	عامه مردم- قشر مذهبی غیر حکومتی	آموزش علمی- مذهبی	مدرسه* (دینی)
نظافت به عنوان یک سنت و رفتار اجتماعی متداول بین ساکنان شهرها- تفکیک در استفاده زنان و مردان- محل تفریح و ملاقات دوستانه خصوصاً برای زنان- محلی برای خواستگاری- شب نشینی جوانان در ماه رمضان- رفع	ریشه در آئین زرتشت پیش از اسلام- در محل تقاطع معابر و اماکن عمومی- ضرورت وجود حمام عمومی در نزدیکی اماکن مقدس- قرارگیری در جوار کاروانسراهای شهری، میادین	تمام اقشار جامعه	نظافت	گرمايه

ویژگی عرصه	کارکرد	قشر استفاده کننده	تبلور کالبدی در ساختار فضایی	روابط اجتماعی
			اصلی شهر و محلات	کلودت‌های محله‌ای در ماه رمضان با میانجی‌گری بزرگان محل
آب انبار	تهیه آب شرب	تمام اقشار جامعه	ارج نهادن به مجموعه مرکزی شهر - حضور در قلب محلات - قرارگیری در حسینیه و تکیه به مثابه سقاخانه	تقدس سقاخانه در میان مردم - استفاده از فضای باز جلو آب انبار برای توقف مردم و مبدل شدن به فضای حسینیه
تکیه و حسینیه	مراسم و نمایش آئینی - مذهبی	تمام اقشار جامعه	ریشه در مراسم آئینی ایران قبل از اسلام - مفاصلی برای پیوند شبکه معابر - قرارگیری سلسله مراتبی در میان محلات و مرکز شهر - مکان‌هایی محصور و چندعملکردی - انعطاف بیشتر تکیه با عملکرد تجاری نسبت به حسینیه	نمادی اجتماعی و محلی - تقویت و همبستگی گروهی - رابطه پایدار با مردم به دلیل ایجاد، نگه داری و بهره مادی و معنوی توسط خودشان - انجام آئین و یا تماشای نمایش آئینی به صورت دسته جمعی
قهوه خانه	استراحت	بخشی از اقشار تمام جامعه	سیر تطور از شربتخانه به قهوه خانه - قرارگیری در جوار بازار و مساجد جامع و در دل مرکز محلات - قهوه خانه روستائیان در جوار ورودی شهرها	حضور فقط برای مردان - سرپناهی مطمئن برای اجتماع مردم و تبادل افکار - در ابتدا فقط برای استفاده اشراف و به مرور تعلق به تمام اقشار - نقل حکایات افسانه‌ای و حماسی - بحث و جدل و تبلیغ اعتقادات دینی - گذران اوقات فراغت - کسب آرامش روحی - پخش اخبار اجتماعی
زورخانه	ورزش باستانی - آئینی	بخشی از مردم عامه	سیر تطور از میدان‌های وسیع دوره ایران باستان به مکان‌های محصور مسقف بعد از اسلام - قرارگیری در سطح پایین‌تر از معابر و زیرزمین - ریشه وجودی از معابد مهرپرستی در قبل از اسلام - قرارگیری در مرکز شهر و مرکز محلات	حضور فقط برای مردان - زورخانه و قهوه خانه دو نهاد اجتماعی وابسته به یکدیگر - مکانی برای تذکر وظایف اجتماعی حضار مثل احترام، سخاوتمندی و ... - برقراری ارتباطات اجتماعی و پرورش ورزشکار - تعلیم یک فلسفه زندگی با ریشه باستانی - اغلب ارائه اصول اخلاقی و جوانمردی عرفان اسلامی

* خاطر نشان می‌گردد که در این جدول، عرصه‌های نام برده شده، آنهایی اند که احتمال وقوع تعاملات اجتماعی در آنها وجود دارد؛ برای مثال انواع دیگر آموزشگاه، مدرسه و کاروانسرا را در دوره‌های مختلف وجود دارد که عملاً فاقد چنان نقش اجتماعی‌ای بوده اند.

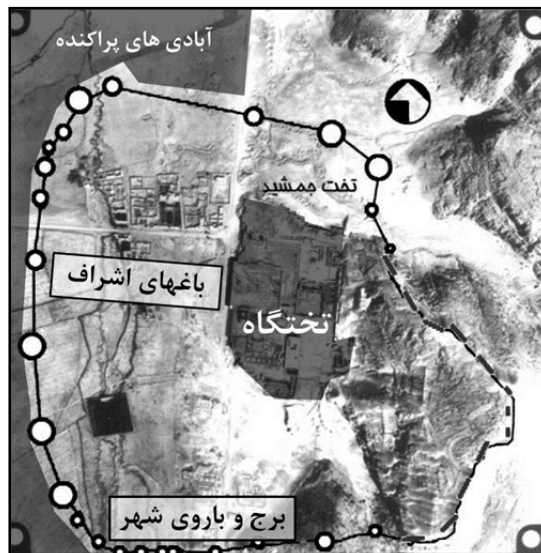
۲.۴ تحلیل الگوی روابط فضایی عرصه‌های تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی (قبل و بعد از اسلام)

مجموعه مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی خود مبتنی بر روابط فضایی می‌باشند. این روابط فضایی و عرصه‌های کالبدی متضمن آنها، بر اساس الگوهایی شکل گرفته اند. جهت واکاوی الگوهای مفهومی سازنده روابط فضایی عرصه‌های تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی، باید از طریق تحلیل یافته‌های نظری تحقیق در قسمت‌های قبل و بررسی آنها در نمونه فضاهای شهری مورد مطالعه که در ادامه خواهد آمد، به این الگوها دست یافت.

۱.۲.۴ قبل از اسلام

طبق منابع موجود که به تشریح ساختار فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی قبل از اسلام و ادوار مختلف آن پرداخته اند، فرم و گونه‌های مختلفی از این سازمان‌یابی‌ها قابل بررسی است؛ برای مثال شار ماد و هخامنشی مربع - مستطیل و صرفاً شاه نشین، شار سلوکی به سبک هیپودامی و حضور محدود بخشی از نهادهای مدنی، شار اشکانی تازه تولد یافته به شکل دایره و حضور کم‌رنگ نهادهای مدنی، و شار ساسانی که در عین منحصربه‌فرد بودن، ترکیبی از ادوار قبل بود و البته با تأکید بر بازگشت به عصر پارسی یعنی جدایی اجتماعی تمام و کمال.

با توجه به نکات ذکر شده درباره ویژگی‌های ساختار اجتماعی شهر و ساختار فضایی - کالبدی آن، نمونه‌ای از شهر دوره قبل از اسلام یعنی پایتخت حکومت هخامنشیان، «تخت جمشید» ارائه می‌شود تا الگوی موجود در روابط فضایی عرصه تعاملات اجتماعی شهر ایرانی روشن گردد.



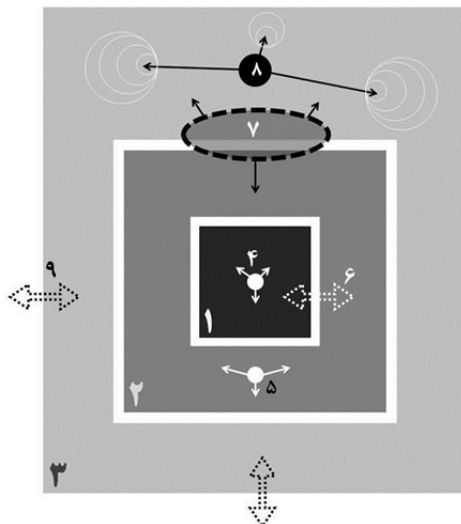
تصویر. Error! No text of specified style in document. ۲- تصویر هوایی از تخت جمشید و روابط فضایی

منتج شده از ساختار اجتماعی شهر

مأخذ: نگارندگان (عکس پایه برگرفته از: امین زاده و آقا ابراهیمی، ۱۳۸۵)

با استناد به شکل پردازش شده (شکل ۲) که ساخت کلی نظام سکونتی تخت جمشید را نشان می‌دهد، می‌توان گونه‌ای از ساخت فضایی شهر دوره هخامنشی را از آن نتیجه‌گیری نمود.

بنابراینچه از تحلیل نقشه شهر باستانی تخت جمشید به دست آمد و همچنین اطلاعات جداول مربوط به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و کالبدی شهرها، می‌توان دیاگرام مفهومی سازمان فضایی روابط عرصه‌های تعاملات اجتماعی شهر ایرانی قبل از اسلام را به صورت ذیل نمایش داد.



- ۱- مجموعه شهر شاهی
- ۲- محل سکونت قشر ممتاز
- ۳- محل سکونت عامه
- ۴- عرصه تعامل اجتماعی منحصر به اقشار سطح ۱
- ۵- عرصه تعامل اجتماعی منحصر به اقشار سطح ۲
- ۶- روابط احتمالی چندجانبه قشر ممتاز جامعه (۱ و ۲)
- ۷- فضای مشترک و احتمالاً نوع خاصی از روابط پدید آمده ناشی از مجاورت عرصه تعامل اجتماعی (۲ و ۳)
- ۸- عرصه تعاملات اجتماعی سطح ۳
- ۹- روابط چند جانبه سطح ۳ با محیط بیرون

تصویر. Error! No text of specified style in document. ۳. دیاگرام مفهومی سازمان فضایی عرصه‌های تعاملات

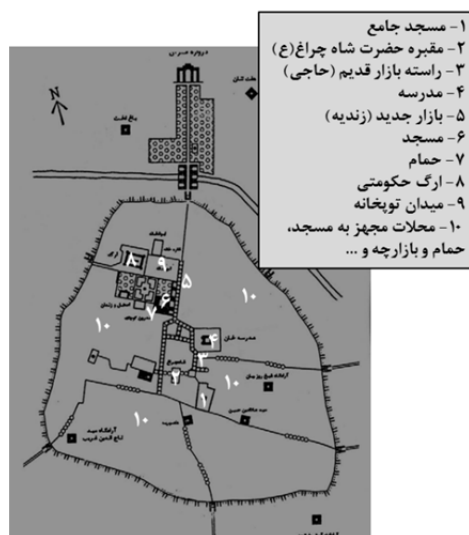
اجتماعی در شهر ایرانی؛ قبل از اسلام
مأخذ: نگارندگان

۲.۲.۴ بعد از اسلام

بر اساس توضیحات مبانی نظری پژوهش و استنتاج‌های صورت گرفته از آن‌ها می‌توان گفت که شهر ایرانی در دوره بعد از اسلام با محور قرار دادن اصول منتج از تفکر اسلامی جامعه شهری که در ابعاد گوناگون با ساخت اجتماعی پیش از اسلام تفاوت ایجاد می‌نمود، سعی در حفظ شمول اجتماعی در کالبد یکپارچه شهر و بدون هدفگیری جامعه طبقاتی

داشته است. البته اگرچه در شهر اسلامی نیز می‌توان شاهد دسته بندی سازمان اجتماعی جامعه شهری بود، اما این مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خاستگاه‌های قومی و همخوانی مشترک بوده است (غنی زاده، ۱۳۸۵) که خود را در مفهوم محله‌های شهر اسلامی به نمایش گذاشت که بر اساس نظام کاستی یا شبیه به آن نبود؛ و از همین روست که می‌توان گفت، شکل‌گیری اصلی محله‌ها در شهر اسلامی اتفاق افتاد (فکوهی، ۱۳۸۷).

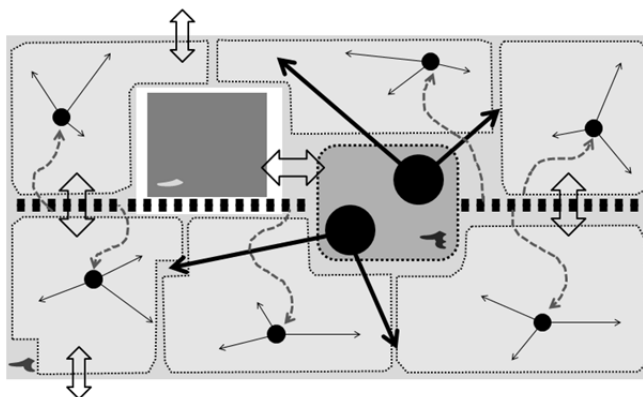
در ادامه با استناد به نقشه شهر تاریخی شیراز در دوره زندیه و تبیین موقعیت عرصه‌های فضایی تعاملات اجتماعی شناسایی شده در آن، سعی در ارائه الگویی مفهومی از روابط فضایی عرصه تعاملات اجتماعی در این شهر و به طور کلی شهر ایرانی بعد از اسلام خواهد گردید.



تصویر ۴. بافت تاریخی شیراز و روابط عرصه‌های تعاملات اجتماعی در کالبد شهر زندیه
مأخذ: مهندسین مشاور فجر توسعه با تغییرات نگارندگان

آنچه که از نقشه شهر شیراز (شکل ۳) بخصوص در دوره زندیه می‌توان نتیجه گرفت، پیروی مدل ساخت و روابط فضایی عرصه‌های اجتماعی شهری، از دوره صفویه می‌باشد که البته ریشه این ساخت فضایی را نیز به دوره آل بویه نسبت داده‌اند. از مجموع استنادات به نقشه و با توجه به اطلاعات بدست آمده از جداول دوره‌های تاریخی و ویژگی‌های عرصه‌های تعاملات اجتماعی ایرانیان، به نظر می‌رسد که می‌توان به الگویی کلی به مثابه

دیاگرام مفهومی از سازمان فضایی عرصه تعاملات اجتماعی شهر ایرانی، در ادوار بعد از اسلام دست یافت.



- ۱- مجموعه حکومتی
- ۲- شهر (مشکل از کل‌های کوچک به مثابه محلات)
- ۳- مرکز ثقل شهر (مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، و اقتصادی)
- ۴- رابطه ارگ با مجموعه شهر
- ۵- عرصه‌های تعاملات اجتماعی با حوزه تأثیر بر کل شهر
- ۶- شریان اصلی شهر به مثابه شکل دهنده تام و تمام به تعاملات همه‌جانبه (اجتماعی، اقتصادی و ...) کل شهر و ایجاد روابط فضایی با مرکز ثقل شهر و محله‌ها
- ۷- عرصه تعاملات اجتماعی کل‌های کوچک شهر
- ۸- روابط مستحکم کل‌های کوچک شهر با کانون‌های زیستی اطراف

تصویر ۵. دیاگرام مفهومی سازمان فضایی عرصه‌های تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی؛ بعد از اسلام
مأخذ: نگارندگان

۵. نتیجه‌گیری

آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت مبتنی بر طرح یک سؤال مبنایی بوده است. در واقع همانگونه که در پیشینه تحقیق نیز اشاره شد، اگرچه دیدگاه غالب تحقیقات انجام شده که برپایه مفروض دانستن تشکیل پدیده تعاملات اجتماعی در عرصه‌هایی از قبیل فضاهای شهری و لزوم ارتقای این فضاها جهت بهبود سطح تعاملات اجتماعی، مهم و قابل توجه است؛ اما به نظر می‌رسد که نیاز به یک اقدام ضروری قبل از این مرحله وجود

داشته باشد و آن اینکه اساساً پدیده تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی در چه عرصه‌هایی از فضا و با چه اهدافی قابل رؤیت می‌شده‌اند.

برای این منظور در مقاله حاضر از شیوه‌ای منطقی مشتمل بر روش‌های تحقیق و تحلیل‌های مرحله به مرحله استفاده گردید و تا به این مرحله نوع عرصه‌های تبلور فضایی تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی و همچنین روابط فضایی عرصه‌ها در سیستم کلی شهر مشخص شد. حال برای رسیدن به پاسخ این سؤال مبنایی که هدف تعاملات در عرصه‌های مذکور چه بوده است، می‌توان بر کاوش اصول متضمن پدیده اجتماعی مورد بحث در فضاهای متبلورکننده این پدیده در شهر ایرانی مبادرت نمود.

بر اساس یک نتیجه‌گیری جامع از دیاگرام سازمان فضایی روابط عرصه‌های تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی، آنچه که مشخص است، فراگیری فضایی عرصه‌هایی است که در کالبد شهر ایرانی می‌توانسته‌اند بستر وقوع تعاملات اجتماعی را فراهم نمایند. این موضوع در دو دوره قبل و بعد از اسلام قابل رؤیت است. البته اگرچه از مجموع مطالعات و تحلیل‌های صورت گرفته مستفاد می‌شود که ساختار فضای اجتماعی جامعه تحت تأثیر مستقیم ایدئولوژی بوده، اما به نظر می‌رسد که این رخداد در دوره قبل از اسلام، متأثر از تحریف دین زرتشت نیز بوده است. ولی به هر حال به نظر می‌رسد آنچه که در ایران شکل نگرفت، اعتقاد صرف به ایدئولوژی زمینی به جای اعتقاد به ماوراء است که می‌تواند ریشه در توحید داشته باشد.

بنابراین در بررسی ویژگی‌های عرصه‌های تعاملات اجتماعی ایرانیان در ادوار قبل و بعد از اسلام، وجوه اشتراکی به چشم می‌خورد، به خصوص نحوه تخصیص فضایی یک کالبد به کارکردی خاص. در این زمینه می‌توان گفت که انسان ایرانی فضاها را بر پایه مجموعه‌ای از اصول و قواعد به گونه‌ای مورد ساخت و استفاده قرار می‌داده است تا به تعاملات اجتماعی ناشی شده از خصلت مدنی وی نیز پاسخ گوید. این اصول که متضمن تعین فضایی - کالبدی پدیده تعاملات اجتماعی بوده است را می‌توان در سه دسته اجتماعی - کالبدی و اندرکنش‌های شهری به صورت ذیل معرفی نمود.

جدول ۵. اصول متضمن پدیده تعاملات اجتماعی در عرصه‌های فضایی - کالبدی شهر ایرانی

اصول متضمن پدیدار تعاملات اجتماعی در سیستم اجتماعی - فضایی شهر ایرانی	اصول متضمن پدیدار تعاملات اجتماعی منتج از ساخت کالبدی - فضایی شهر ایرانی	اصول متضمن پدیدار تعاملات اجتماعی منتج از ساخت اجتماعی شهر ایرانی
شمول سلسله مراتبی اجزاء شهر و پوشش فراگیر فضایی	مکان یابی بر اساس ایدئولوژی حاکم بر جامعه	اعتقاد به نیروی «وحدانی» فرا زمینی
حفظ محرمت	تفکیک به فراخور شأن انسانی	حفظ حرمت در زندگی اجتماعی
اعتقاد به حفظ نظافت و طهارت مادی و معنوی حوزه عمومی	طراحی فضای مطبوع جسم و روح انسانی (توجه به اقلیم و جهات اربعه و قبله)	توجه به اصول فرامادی زیبایی شناختی
طراحی با هدف به تفکر و داشتن	اندیشه درون‌ساز و بومی کردن اندیشه برون‌ساز در برنامه ریزی و طراحی	تأکید بر تربیت بومی
سلسله مراتب فضایی رفع نیازهای مادی و معنوی در مقیاس جامعه شهری	تکریم جایگاه انسان؛ البته نه به مثابه محور عالم وجود	احترام سلسله مراتبی (فارغ از بحث جامعه طبقاتی و نظام کاستی)
حضور دسته جمعی برای برگزاری مراسم مذهبی - آئینی	استفاده از تجربیات گذشتگان و دیگر ملل	حس تعاون و مشارکت

در هر سه بُعد مورد بررسی که درایه اصلی ستون‌های ماتریس فوق را تشکیل می‌دهند می‌توان مجموعه‌ای از اصول متضمن شکل‌گیری پدیده تعاملات اجتماعی را مشاهده نمود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که تا حدودی بین درایه‌های هر ردیف نیز ارتباط معنادار سلسله مراتبی از سمت راست به چپ وجود داشته باشد. در واقع در شهر ایرانی همواره ارتباط تفکر جامعه با آنچه که در فضای حیات جامعه کالبد می‌یافته برقرار بوده است که این خود گویای ارتباط منطقی ظرف و مظهر شهر ایرانی و جامعه شهری درون آن می‌باشد.

در واقع از مجموع اصول مذکور در کنار یک رویکرد فضایی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در شهر ایرانی، شکل‌گیری روابط اجتماعی در قالبی معنادار، وابسته به عملکرد و کارکرد عرصه فضایی بوده که نه تنها بر اساس ویژگی‌های جامعه شکل می‌گرفته است بلکه کالبدی تعریف شده نیز داشته است. این بدان معناست که از شروط

اصلی شکل گیری تعاملات اجتماعی، الزام تعریف عملکرد و یا مجموعه‌ای از عملکردهای منتج از خواست جامعه، در عرصه فضایی کالبد یافته بوده است؛ و نه به این معنا که منفک از ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه شهری، تعریف و ساخت عرصه‌هایی کالبدی در فضاهایی از شهر ایرانی صورت پذیرد تا صرفاً سبب ایجاد رفتاری با نام مصطلح تعاملات اجتماعی گردد.

به عنوان یک نتیجه دیگر این نکته نیز قابل بیان است که اصول شکل گیری عرصه تعاملات اجتماعی اگرچه در دوره قبل از اسلام در هر طبقه اجتماعی - فضایی تقریباً منفک از سایر طبقات بوده است، اما درون هر طبقه و یا حتی در روابط احتمالی برخی از طبقات، اصول و قواعد مشابهی با شهر ایرانی دوره اسلامی دیده می‌شود. هرچند که بعد از اسلام، روابط فضایی عرصه‌های تعاملات اجتماعی به صورت تقریباً یکپارچه در کل شهر سازمان یافته است. در واقع عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی دارای مقیاس‌های فضایی مشتمل بر شهر تا محله بوده اند که به نوعی سبب ایجاد یک شبکه به هم پیوسته با تنوعی از اشکال تعاملات اجتماعی در قالب کارکردهای شهری کالبد یافته می‌شده است.

در آخر لازم به تأکید است که بحث رابطه افقی بین درایه‌های ماتریس اصول متضمن پدیدار تعاملات اجتماعی در شهر ایرانی، می‌تواند مدخلی برای پژوهش‌های عمیق‌تر و خاص‌تر برای هر یک از اصول مذکور در شهر ایرانی بخصوص جهت بسط در جامعه نوین شهر ایرانی باشد.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، محمد حسن (۱۳۸۸)، «میدان؛ فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی»، نشریه هویت شهر، س ۳، ش ۴، ۱۰۷-۱۲۰.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، نامه علوم اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ش ۴، ۷-۴۹.
- امین آذر، لیدا (۱۳۹۳)، «تعاملات اجتماعی در فضا و تبلور آن در معماری و شهرسازی شرق و غرب جهان»، دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز، ۱-۱۴.
- امین زاده، بهناز (۱۳۷۸)، «حسینیه‌ها و تکایا، بیانی از هویت شهرهای ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۶، ۵۵-۶۶.

عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی... ۱۲۷

امین زاده، بهناز و فیروزه آقا ابراهیمی سامانی (۱۳۸۵)، «مستندسازی منظر باستانی تخت جمشید»، نشریه هنرهای زیبا، س ۴، ش ۲۷، ۷۷-۸۶.

بذرگر، محمدرضا و ارشیا امینی (۱۳۸۹)، *هفت شهر تاریخی فارس*، چاپ اول، شیراز: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس.

بلوکباشی، علی (۱۳۸۳)، «نقش و کارکرد اجتماعی زورخانه در جامعه سنتی ایران»، *ماهنامه حافظ*، ش ۹، ۳۸-۴۱.

بهار، مهرداد (۱۳۶۰)، «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن»، *نشریه چیستا*، ش ۲، ۱۴۰-۱۵۹. بهزادفر، مصطفی و ارسلان طهماسبی (۱۳۹۲)، «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیر گذار بر تعاملات اجتماعی؛ تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری (نمونه مورد مطالعه: سنندج)»، *مجله باغ نظر*، س ۱۰، ش ۲۵، ۱۷-۲۸.

بیک محمدی، حسن (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، چاپ سوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

پازوکی، ناصر (۱۳۸۷)، «شهر و نقش دفاعی شهرها»، *دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران- ارگ بم*، جلد اول، ۲۹۷-۳۱۴.

پرتال انجمن شهرسازی ایران (۱۳۹۲)، www.urbanity.ir

پور احمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، *فصلنامه مطالعات شهر اسلامی ایرانی*، س ۱، ش ۲، ۱-۱۱.

پور رضا، رسول (۱۳۸۵)، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان*، چاپ اول، تهران: مؤلف.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۵۳)، «خانه‌های خدا در ایران زمین»، *نشریه هنر و مردم*، ش ۱۴۹، ۲-۸.

ترابی، سید محسن (۱۳۸۳)، «معماری سنتی ایران، کاروان سراها، حمام‌ها، خانه‌ها و ... در مسلخ معماری مدرن - نگاهی گذرا به معماری ایرانی»، *نشریه فردوسی*، ش ۲۰ و ۲۱، ۱۴-۱۹.

حبیبی، محسن (۱۳۸۷)، *از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*، تفکر و تأثر، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسینی، آرزو (۱۳۹۲)، «شربت و شربت خانه در گذر زمان»، *نشریه باغ نظر*، س ۱۰، ش ۲۵، ۴۹-۵۸. حسینی، سید بهشید (۱۳۷۸)، «درک و فهم فضایی قدسی آتشگاه و آتشکده در چهارچوب نظام شکل و معنا»، *دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران- ارگ بم*، جلد اول، ۳۹۳-۴۲۴.

رضایی راد، محمد (۱۳۷۸)، «بنیادهای فلسفی و اساطیری شهر ایرانی»، *دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران- ارگ بم- کرمان*، جلد اول، ۱۱-۲۹.

رضایی راد، محمد (۱۳۸۵)، «سنخ شناسی شهرهای ایران باستان»، نشریه جستارهای شهرسازی، ش ۱۵ و ۱۶، ۸۲-۹۳.

روشار، فیلیپ (۱۳۸۳)، «هویت‌های زورخانه‌ها»، محمدرضا فرزاد، نشریه گفتگو، ش ۴۲، ۴۹-۷۹.

ره‌اورد، حسین (۱۳۳۵)، «زورخانه»، نشریه مردم شناسی و فرهنگ عامه ایران، ش ۳، ۱۳۸-۱۴۶.

ساریخانی، مجید (۱۳۸۴)، «نقاشی قهوه خانه‌ای در دوره قاجار»، نشریه میراث جاویدان، س ۱۳، ش ۵۰، ۱۱۴-۱۲۰.

شعبانی، سعید (۱۳۹۲)، «مکتبخانه و تاریخچه مدرسه در ایران و کشورهای اروپایی»، وبلاگ www.saeid860.blogfa.com

شفقی، سیروس (۱۳۷۸)، «نقش بازار در ساختار فضایی شهر اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س ۱۴، ش ۱ و ۲، ۶۳-۸۷.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۸)، با شهر و منطقه در ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

صداقت کیش، جمشید (۱۳۸۶)، «کاروان سراها»، نشریه میراث جاویدان، س ۱۵، ش ۵۸، ۴۲-۶۵.

صدق آمیان، جعفر (۱۳۷۲)، «بررسی نقش اجتماعی قهوه خانه‌ها در ایران با بررسی اجمالی آنها در خوی»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۱۸، ۴۸-۵۵.

عسگری، نصرالله (۱۳۸۴)، «بررسی معماری و کارکردهای اجتماعی - فرهنگی حمام صفا واقع در شهر قزوین»، نشریه دروازه بهشت (اداره ارشاد قزوین)، س ۶، ش ۱۹، ۸۳-۱۰۰.

غنی زاده، مسعود (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، نشریه راهبرد یاس، ش ۷، ۱۹۷-۲۱۰.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، انسان شناسی شهری. چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

کردی، سعیدقلی (۱۳۸۴)، «به شهر مینیاتوری اسلام خوش آمدید»، نشریه معلم، ش ۱۹۱، ۵۰-۵۱.

متدین، حشمت الله (۱۳۸۹)، «علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران»، مجله باغ نظر، س ۷، ش ۱۵، ۵۱-۶۲.

مجتهدی، احمد (۱۳۷۰)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای سکونت در ایران»، نشریه تحقیقات جغرافیایی، ش ۲۲، ۷۱-۱۰۰.

محمدی، محمود، مریم عظیمی، حامد مقدم و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۱)، «فضاهای عمومی شهری، تحقق تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)»، نشریه مرمت آثار و بافت‌ها تاریخی، فرهنگی، س ۲، ش ۴، ۱۵-۲۸.

محمودآبادی، سیداصغر و سمیه بختیاری (۱۳۸۸)، «بررسی پیشینه تاریخی ابنیه سنتی ایران با مطالعه موردی "تکیه"»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، س ۴، ش ۱۴، ۱۵۱-۱۶۸.

مختاباد، مصطفی، فرح حبیب و حمیدرضا شعاعی (۱۳۹۰)، «گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیه‌ها به مثابه کنش پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین‌های جمعی»، دوفصلنامه مدیریت شهری، س ۹، ش ۲۸، ۲۴۱-۲۵۴.

عرصه‌های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی... ۱۲۹

مهندس‌یزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۹۰)، *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران* چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

مطهری، [شهید] مرتضی. *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. ج ۲۵، کتابخانه الکترونیکی استاد شهید مرتضی مطهری.

منصوری، سید امیر (۱۳۸۶)، «دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام؛ با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان»، *مجله باغ نظر*، س ۴، ش ۷، ۴۹-۶۰.

مehجور، فیروز (۱۳۸۲). «حمام در شهرهای ایرانی-اسلامی»، *نشریه کتاب ماه هنر*، ش ۵۷ و ۵۸، ۶۰-۶۶.

مهدیزاده، محمدهادی، سیدعلیرضاشجاعی و سعیده وطن پرست (۱۳۹۱)، «طراحی فضاهای عمومی با تأکید بر رویکرد معماری اجتماعی»، *همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی*، مشهد، ۱-۸.

مهندسین مشاور فجر توسعه. *طرح ساماندهی سیمای شهری شیراز، شهرداری شیراز*. میرزا کوچک خوش نویس، احمد (۱۳۸۵)، «دولت شهر آرمانی ایرانی؛ مفهوم فضای شهری ایران»، *مجله باغ نظر*، س ۳، ش ۶، ۱۰۱-۱۱۸.

وبلاگ معماری (بی تا)، www.nbpsafa2.blogspot.com